

هئله فاد

مترجم
وحیده صادقی

سید حسین العطاس
با مقدمه: سید فرید العطاس



هو الغفور





- | | |
|--|---------------------|
| عطاس، حسین، ۱۹۲۸م - Alatas, hussein | سرشناسه |
| مستله فساد/ سید حسین العطاس؛ با مقدمه سید فرید العطاس، مترجم وحیده صادقی | عنوان و نام پدیدآور |
| تهران: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات، ۱۳۹۵. وضعیت فهرست‌نویسی فیبا | مشخصات نشر |
| ۱۲۸۰۰۰ ریال، ۳-۵۴-۷۶۸۷-۶۰۰-۹۷۸ | شابک |
| ۲۰۲ ص. | مشخصات ظاهری |
| ۴۲۶۵۹۴۶ | شماره کتابشناسی ملی |
| فساد سیاسی - آسیا | موضوع |
| Asia -- Poblitical Corruption | موضوع |
| ۱۳۹۵م ۵/ع ۲۹/۵ JQ | رده‌بندی کنگره |
| ۳۶۴/۱۳۲۳۰۹۵ | رده‌بندی دیویی |
| صادقی، وحیده، ۱۳۶۶ - مترجم | شناسه افزوده |
| پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات | شناسه افزوده |
| The Problem of Corruption: عنوان اصلی: | یادداشت |

مسائل و آسیب‌های اجتماعی





ناشر: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات

نویسنده: سیدحسین العطاس

مترجم: وحیده صادقی

ویراستار علمی: سیاوش صلواتیان

صفحه‌آرا: وحید لنجان‌زاده

نوبت چاپ: دوم - بهمن ۱۳۹۵

شمارگان: ۵۰۰ نسخه

قیمت: ۱۲۸۰۰۰ ریال

شابک: ۳-۵۴-۷۶۸۷-۶۰۰-۹۷۸

همه حقوق این اثر برای پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات محفوظ است.
در صورت تخلف، پیگرد قانونی دارد.

نشانی: تهران، پایین‌تر از میدان ولی عصر (عج)، خیابان دمشق، شماره ۹، پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات
صندوق پستی: ۶۲۷۴-۱۴۱۵۵. تلفن: ۸۸۹۰۲۲۱۳. دورنگار: ۸۸۸۹۳۰۷۶. Email: nashr@ric.ir

اثر پیش‌رو، کتابی است با عنوان «مسئله فساد» که وحیده صادقی با همکاری سیدجواد میری منیق و نظارت عبدالله بیچرانلو ترجمه کرده و پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات با همکاری شورای اجتماعی کشور آن را منتشر کرده است.

مسئله فساد

نویسنده | سید حسین العطاس

با مقدمه | سید فرید العطاس

ترجمه | وحیده صادقی



فهرست مطالب

۱	مقدمه مترجم
۳	مقدمه این ویرایش
۱۵	دیاچه هارولد لاسول
۱۷	دیاچه نویسنده

فصل اول: جامعه‌شناسی فساد

۲۳	جامعه فساد
۳۱	ماهیت فساد
۳۵	کارکردهای فساد
۴۶	سه مرحله فساد
۵۶	علل فساد
۶۰	هدیه
۶۷	ممانعت از فساد

فصل دوم: فساد در آسیا: بهای انسانی

۹۱ مقدمه
۹۴ مورد هند
۱۰۰ هزینه فساد
۱۰۶ مورد مالزی
۱۱۱ مورد پاکستان
۱۱۴ مورد اندونزی
۱۱۹ فساد و شخصیت انسانی

فصل سوم: مبارزه علیه فساد

۱۳۳ مقدمه
۱۴۰ تجربه یک بازرس
۱۴۵ رسوایی بی‌ام‌اف
۱۵۳ رهبر و نقش مطبوعات
۱۵۷ پیرامون بی‌عاطفگی بشر
۱۶۵ پیوست‌ها
۱۸۷ منابع و مآخذ

مقدمه مترجم

کتاب «مسئله فساد»، نخستین ترجمه *The Problem of Corruption* اثر گرانسنگ سید حسین العطاس است که اولین بار، تحت عنوان *The Sociology of Corruption* در دهه ۱۹۶۰ میلادی در چارچوبی دیگر چاپ گردید. پس از آن، ویراست بعدی در سال ۱۹۸۶ و در نهایت، آخرین ویرایش آن با مقدمه سید فرید العطاس در سال ۲۰۱۵ به چاپ رسید. این کتاب در خرداد ۱۳۹۴، به همت پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات با حضور سید فرید العطاس، نقد و بررسی شد. آنچه مرا به ترجمه این اثر واداشت، نگاه خاص نگارنده به مسئله فساد از یک سو، و از سویی دیگر کاربرد این کتاب با وجود گذشت چندین سال از نگارش آن است. البته این مساله خود نشانگر حضور و شیوع متداوم فساد در جوامع انسانی تا به امروز است که خود جای بسی تأسف و تأمل دارد. آنگاه که از فساد سخن به میان می‌آید، در نگاه اول، دستگاه‌های دولتی و حکومتی مرکز توجه قرار می‌گیرند، در حالی که فساد و علل رواج آن تنها به سازمان‌ها و نهادهای دولتی محدود نمی‌شود؛ بلکه باید ریشه‌های آن‌را در شخصیت افراد جست‌وجو نمود. بدون شک، تمام افراد جامعه از فساد رنج می‌برند،

حتی آنان که خود به فسادِ بیشتر دامن می‌زنند. شیوع فساد در جوامع، بر زندگی اجتماعی و فردی نسل‌های حاضر و حتی نسل‌های بعدی به صورت مستقیم و غیرمستقیم تأثیرگذار است. سید حسین العطاس، در اثر خویش بدین مهم می‌پردازد که فساد، تنها معضلی اقتصادی و سیاسی نیست؛ بلکه باید آن را نقصانی در شخصیت انسانی دانست که ریشه در ضعف اخلاقی و عوامل کلیدی دیگر دارد. وی پس از تعریف ماهیت فساد و بررسی علل آن، به عملکرد فساد و پیامدهایش با ذکر نمونه‌های بسیاری در کشورهای نظیر مالزی، چین، هند، پاکستان و... می‌پردازد. در مورد نگارش این کتاب، سید فرید العطاس در مقدمهٔ خویش به تفصیل و شیوایی سخن گفته است، به همین دلیل از ورود به جزئیات می‌پرهیزم. لازم به ذکر است که تمام پانویس‌های این کتاب، مواردی است برای فهم بهتر اثر که مترجم نگاشته است. همچنین پانویس‌های کتاب اصلی، در انتهای هر قسمت با عنوان «پی‌نوشت» آمده است.

در ترجمه هرچه بهتر این اثر، اساتید و عزیزان بسیاری مرا یاری و راهنمایی نمودند: سید جواد میری، سید بیوک محمدی، سید فرید العطاس، ناهید مؤید حکمت، ثمین راثی، زهرا زمانی و فراز قلبی که صمیمانه قدردان محبت‌های بی‌دریغ و زحماتشان هستم. بدون همراهی و مساعدت‌های آنان ترجمهٔ این کتاب محقق نمی‌گشت.

امید آنکه این کتاب، گشایندهٔ بابی برای تأمل و مذاقهٔ بیشتر دربارهٔ «مسئلهٔ فساد» و یافتن راهی برای مبارزه با آن باشد؛ چراکه فساد همچون سلول‌های سرطانی به سرعت می‌تواند سراسر جامعه، اعم از نهادها و ارگان‌های دولتی در تمام سطوح و حتی یکایک افراد جامعه را مبتلا کرده و صدمات جبران‌ناپذیری به بار آورد.

مقدمه این ویرایش

□

نخستین بخش این کتاب بیش از چهل سال پیش، با عنوان «جامعه‌شناسی فساد» [۱] منتشر شد و امروزه نیز همچون چهل سال پیش، همچنان کتابی مناسب است. این اثر گواه ذهن آگاه و تحقیق دلسوزانه مؤلف آن، سید حسین العطاس است، فردی که از روزهای دانشجویی خود به پدیده فساد علاقه‌مند بود و در طول زندگی خود بی‌هیچ خستگی، در مورد این موضوع سخن گفت و قلم زد. از طرفی دیگر، تداوم این امر نیز موجب ناراحتی است. ناراحت‌کننده است که کار او منسوخ نشده است و همچنان بیانگر [فساد به منزله یکی از] مسائل امروزی است.

فساد پدیده‌ای است که در همه‌جا، اعم از کشورهای توسعه یافته و توسعه نیافته وجود دارد. با این حال، ماهیت، علل و کارکردهای آن در کشورهای مختلف، متفاوت است. بسیاری از دولت‌های کشورهای در حال توسعه، پس از جنگ جهانی دوم و استقلال رسمی، مشارکت مستقیم در کسب‌وکار را آغاز نمودند و فراتر از نقش‌های قانونی و زیرساختاری خویش رفتند. این دولت‌ها در فرایند انباشت سرمایه از طریق ایجاد شرکت‌های دولتی و مؤسسات مالی، به صورت مستقیم

نقش داشتند. در بسیاری از کشورها نظیر مالزی، احزاب سیاسی حاکم، مالکان و سرمایه‌گذاران اصلی کسب‌وکار و دارایی‌ها شدند. این احزاب توانستند ابزاری برای خرید، مالکیت و کنترل نگرانی‌های اصلی کسب نمایند. مالکیت در بخش شرکتی توسط شخصیت‌های مهم سیاسی، به دلیل مقام یا روابط آنان در دولت، یکی از دیگر ویژگی‌های مشارکت دولت در کسب‌وکار است. این موضوع ممکن است ماحصل خویشتاوندسالاری باشد. گروه سرمایه‌دارانی که این روش را توسعه داده‌اند، در اندونزی به رانت‌خواران^۱ معروف هستند؛ اما این عنوان در دیگر کشورهای در حال توسعه جهان نیز به همان معنا به کار برده می‌شود.

هر کدام از ویژگی‌های نقش دولت در کسب‌وکار، آثار خاصی بر توسعه دارند. مالکیت دولتی شرکت‌ها و نقش نخبگان بوروکراتیک در این شرکت‌ها می‌تواند برای جامعه بسیار مفید و سودمند باشد، به خصوص آن هنگام که این شرکت‌ها، شرکت‌هایی انحصاری باشند که [در این صورت] کارآمدتر، مقرون به صرفه‌تر و قابل کنترل‌تر هستند، اما مشارکت دولت در کسب‌وکار از نظر نقش احزاب سیاسی و رانت‌خواران به‌طور بالقوه برای اقتصاد مضر است، زیرا اغلب افرادی که حقوق، مجوزها، فرانشیزها و مواردی از این دست را کسب می‌کنند، در کسب‌وکار صلاحیت و شایستگی ندارند. حمایت، ابزار مهمی است که به مدد آن تاجران به رده نخبگان اقتصادی می‌پیوندند. یکی از معایب این مورد آن است که شرکت‌های مهمی که از طریق حمایت یا روابط حزب سیاسی ایجاد می‌گردند، از نظر کارآمدی، مهارت فنی و کارآفرینی در حد استاندارد نیستند. در این حالت، نقش دولت در توسعه، نقشی منفی است و این جاست که فساد به میان می‌آید.

۱. Client Businessmen گروهی از تجار و بازرگانان که با توسل به خویشتاوندسالاری و سایر روابط، موجب افزایش فساد در نظام‌های اقتصادی کشورهایی نظیر مالزی و سایر کشورهای در حال توسعه می‌شوند.

سیاستمداران و کارمندان دولتی اغلب در تلاش اند تا منافع خصوصی خود را در همکاری با سرمایه‌داران بخش خصوصی افزایش دهند. سید حسین العطاس، فساد را این چنین تعریف می‌کند: «ارجحیت منافع خصوصی به منافع عمومی که شامل نقض هنجاری و طیفه و رفاه است که با اختفا، خیانت، فریب و بی‌اعتنایی سنگدلانه در مورد انواع پیامدهای وارده به عموم همراه است». [۲] معمولاً سه نوع فساد به نام‌های: ۱) رشوه‌خواری^۱ یا پذیرش هدایا توسط مقامات رسمی درازای اعطای ملاحظات ویژه به نفع رشوه دهنده، ۲) خویشاوندسالاری^۲ یا انتصاب خویشاوندان، دوستان و وابسته‌های سیاسی در ادارات دولتی بدون در نظر گرفتن مزایا و پیامدهای آن برای عموم و ۳) اخاذی^۳ یا درخواست هدایا در ازای اجرای وظایف عمومی وجود دارد. مقامات دولتی در حین انجام وظایف رسمی خویش، در موقعیتی قرار دارند که [قادرند] منافع خصوصی، به ویژه منافع مادی خویش را افزایش دهند. مفسدان صور مختلفی از مساعدت به سرمایه‌داران خصوصی را که شامل انگیزه‌ها، ارائه مجوز، سیستم حمایتی، دریافت سرمایه از بانک‌های دولتی، امتیازهای انحصاری و سرمایه‌گذاری‌های مشترک است، توسعه می‌دهند. رابطه میان کارمند مفسد و سرمایه‌دار، رابطه میان حامی و پیرو است. این رابطه خاص میان حامی قدرتمند سیاسی و پیرو، به دلیل بی‌کفایتی‌های مؤسسات اقتصادی رسمی است که به حمایت نیاز دارند.

فساد در تمام دولت‌ها وجود دارد، اما بر تمام آنها چیره نشده است. دولتی که در آن فساد رایج است را می‌توان دولت دزدسالار

1. Bribery
2. Neoptism
3. Extortion

(کلیپتوکراسی)^۱ نامید. برای نخستین بار، اس. اندرسکی^۲ جامعه‌شناس از عبارت «دزدسالاری» برای توصیف دولت فاسد در آفریقا و آمریکا لاتین استفاده نمود. [۳] این عبارت از کلمات «klepto» (دزد) و «cracy» (حاکم) به وجود آمده است. کلیپتوکراسی به معنای دولتی است که دزدسالارانی بر آن حاکم هستند که از فساد به عنوان ابزار مهم و شاید اصلی خود برای انباشت سرمایه استفاده می‌کنند. دزدسالاران اصلی، کارمندان دولتی متوسط یا رده پایینی نیستند که برای امرار معاش اخاذی یا رشوه‌خواری کنند؛ بلکه سیاستمداران و بوروکرات‌های رده بالایی هستند که در فعالیتهای مفسدانه، به منزله ابزاری برای انباشت سرمایه، مشارکت دارند. این وضعیت در بسیاری از کشورهای آسیایی، آفریقایی و آمریکای لاتین آن‌چنان فراگیر است که بر تشخیص ما از وجود دولت دزدسالار، صحنه می‌گذارد. دولت دزدسالار، دولتی است که به‌طور عمده در خدمت منافع خصوصی بوروکرات‌ها و سیاستمداران خود است.

دولت دزدسالار، دولتی است که در آن دزدسالاران به عنوان نخبگان و کارگزاران دولتی حاکم هستند. این نخبگان و کارگزاران در اشکال متفاوتی از فساد مشارکت دارند که العطاس آن‌ها را در کتاب خود تحت عنوان «فساد: ماهیت، علل و کارکردهای آن» در سال ۱۹۹۰، فهرست نموده است. [۴] این موارد شامل فساد مبادله‌ای، اخاذی، سرمایه‌ای، خودزاد^۳ و حمایتی است. هر نوع فساد که شامل ترتیبات دوجانبه میان اعطاکننده و گیرنده باشد، ممکن است شامل مقامات دولتی رده بالا و نخبگان حزبی، نظامی و بوروکراتیک از طرف دولت و نخبگان شرکتی و مالکان زمین از طرف عموم باشد. فساد سرمایه‌ای که به عرضۀ

1. Kleptocracy

2. S. Andreski

3. Autogenic

کالاها و خدمات با پیش‌بینی بازگشت آتی مساعدت، برمی‌گردد، روشی رایج در میان نخبگان در کارهای اجرایی و بوروکراسی دولتی است که در آن، این افراد در ازای مقامی احتمالی در شرکت پس از بازنشستگی از مقام سیاسی، قادر به عرضه و به عبارتی دیگر ارائه مجوز به تاجران نالایق هستند. فساد حمایتی به فعالیت‌های مفسدان‌های اشاره می‌کند که به دنبال حمایت و توانمندسازی انواع مختلف فسادهای موجود است. انواع مختلف نخبگان دولتی به جهت ممانعت یا محدود نمودن افراد صادق و شایسته از کسب مقام‌های راهبردی در دولت، در این نوع فساد نقش دارند.

بنابراین، فساد به منزله ابزاری برای انباشت سرمایه، تنها شامل حمله به خزانه‌های دولتی نیست؛ بلکه با سایر روش‌هایی همراه است که در بسیاری از جوامع در حال توسعه، نهادینه شده‌اند. این روش‌ها شامل حمایت، فرمانروایی شخصی و بسیاری از ابزارهای غیرقانونی پیگیری بازده‌های آن عوامل تولیدی هستند که عرضه آنها بسیار محدود است. هیچ نوع درونی‌سازی هنجار [جهت] تفکیک منافع عمومی و خصوص وجود ندارد. علاوه بر این، سرمایه خصوصی ضعیف و وابسته به حمایت دولت است. دزدسالاری چنین دولت‌هایی به حدی است که سیاست پولی و حامی‌پروری (کلاینتالیسم)^۱ آنان نیز فاسد است.

فساد ابزار مهمی برای انباشت سرمایه شده است. دولت دزدسالار هنگامی شکل می‌گیرد که در برخورد با دولتی غیرفاسد، انجام هر کاری به سختی امکان‌پذیر باشد. درست است که پدیده فساد محدود به جوامع در حال توسعه نیست، اما دزدسالارها یا به عبارتی، دولت‌هایی که در آن فساد ابزار مهمی برای انباشت سرمایه است، بیشتر مشخصه‌ای از جوامع در حال توسعه هستند و نه جوامع پیشرفته.

بحث‌های جاری در مالزی، پیرامون نیاز به ریشه‌کن‌سازی فساد،

باید شامل آموزش عمومی در مورد تأثیر فساد نیز باشد. ریشه‌کن‌سازی فساد نه تنها موضوعی از اجرای قانون؛ بلکه موضوعی از انزجار عمومی و پرهیز از روش‌های مفسدانه است. در نتیجه، آموزش عمومی در مورد تأثیر فساد بر جامعه، نیازمند تحقیقات بیشتری در مورد این پدیده است. در این میان آنچه از دانشگاهیان، روزنامه‌نگاران، روشنفکران و فعالان انتظار می‌رود، تنها مطالعاتی نیست که به دنبال درک ماهیت و مشخصات دولت فاسد یا کلیپتوکراسی باشد؛ بلکه پژوهش پیرامون اثرات متمایزکننده در مورد توسعه انواع مختلف فساد است. فساد اثرات منفی بر کارآمدی، روحیه، کارایی، اختیار و اهداف سازمان‌های دولتی دارد. این موارد از طریق از دست دادن درآمدهای دولتی، انحراف‌های سیاست و موارد دیگر، موجب به خطر انداختن، مخالفت کردن یا متوقف کردن توسعه معنادار می‌شوند. در مورد روش‌های فاسد، انواع فساد موجود و اثرات آن بر توسعه، به کار بیشتری نیاز است.

هم‌چنین فراگیر بودن فساد، موجب کاهش تلاش‌های ما در راستای توسعه دموکراسی بالغ شده است. به‌طور رسمی، معمولاً سیستم سیاسی دموکراتیک، به سیستمی اشاره می‌کند که در آن مقام‌های اجرایی به شکل منتخب هستند و اعضای احزاب سیاسی، برای ارگان نمایندگی نظیر پارلمان انتخاب می‌شوند. علاوه بر این، در سیستم دموکراتیک، تفکیک قدرت‌ها وجود دارد، به‌طوری که مقام اجرایی، خود در معرض قانون است. شاید ویژگی اصلی دموکراسی، برتری گروه‌های فشار و ذینفع است که با نزدیکی به قانون‌گذاران و همکاری نزدیک با آنان به دنبال تأثیرگذاری بر سیاست هستند. دموکراسی در حالت رسمی از زمان استقلال از بریتانیا در سال ۱۹۵۷ در مالزی برقرار شده است. تعدادی از محققان، سیستم سیاسی در مالزی را به دلیل وجود عناصر ضد دموکراتیک نظیر لغو رأی‌گیری‌ها در سطح محلی و قانون امنیت داخلی (IAS) که چندین دهه برقرار بود، «شبه دموکراسی» یا «نیمه دموکراسی»

نامیده‌اند. با این حال، علاوه بر حکومت موقتی حاکم غیردموکراتیک از سال ۱۹۶۹ تا ۱۹۷۱ پس از شورش‌های نژادی، مالزی هشت دوره انتخابات عمومی داشته است. همچنین تغییرات در سران دولت و میزان خاصی از آزادی بیان وجود داشته که در چند سال اخیر افزایش یافته است. اما دولت‌های دموکراتیک نسبت به سایر دولت‌ها، به‌طور چشمگیری بیشتر در معرض فساد قرار دارند. دولت دموکراتیک ادعا دارد که بر اساس منافع اعضای جامعه عمل می‌کند. حال آنکه با توجه به تنوع منافع در جامعه، دولت نمی‌تواند منافع تمام اعضای خود را منعکس نماید. در نتیجه، میان گروه‌ها و بخش‌های مختلف وساطت می‌کند و همین امر موجب می‌گردد که تمام بخش‌ها و گروه‌ها بر سیاست عمومی تأثیرگذار باشند و در حین حال هیچ کدام سلطه نداشته باشند. دولت باعث می‌شود که باور داشته باشیم اعضای بخش‌ها و گروه‌های مختلف جامعه، ایده‌های سیاسی و شکایات خود را از طریق احزاب سیاسی و گروه‌های ذینفع، به دولت منتقل می‌سازند. احزاب سیاسی برای کسب مقام با یکدیگر در رقابتند و دامنه‌ای از انتخاب‌ها را برای حوزه‌های انتخابیه ارائه می‌دهند. هرچند احزاب سیاسی به دنبال کسب قدرت هستند و گروه‌های دولتی، ذینفع یا فشار را تشکیل می‌دهند تا بر این احزاب و دولت در جهت منافع خاصی که ادعای ارائه آن‌را دارند، تأثیرگذار باشند؛ اما این داعیه وجود دارد که هیچ نوع منفعتی بر تصمیم‌گیری نفوذ ندارد. برای مثال، ممکن است دولت مالزی ادعا کند که برای منفعت راکیات (Rakyat) بدون توجه به مذهب، نژاد یا طبقه به شکل منصفانه حکومت می‌کند، این [ادعا] در حالی است که حقیقت چیز دیگری است.

مسئله سوءاستفاده از قدرت توسط کارمندان دولتی یا فساد، در چند سال اخیر در گفتمان‌های عمومی اهمیت بیشتری یافته است. یکی از

دلایل آن این است که دولت کنونی، به رهبری داتو سری نجیب رزاق^۱، مبارزه عمومی گسترده‌ای علیه فساد آغاز کرده که منجر به پیگردهای قانونی و بازداشت‌های زیادی شده است. دموکراسی در توجه دولت به فساد نقش داشته است. انتخابات عمومی سال ۲۰۰۸ به منزله زنگ خطری برای دولت عمل کرد، چراکه دولت، حمایت تعداد زیادی از مردم مالزی را از دست داد. در عین حال، فرهنگ دموکراتیک مالزی در دوران نخست‌وزیری تون عبدالله احمد بدوی^۲ که امکان وجود رسانه‌های آزادتر و گفتمان عمومی انتقادی‌تر را داد، توسعه یافت. فرهنگ سیاسی‌ای که در حال تغییر تدریجی کشور است، منجر به ظهور ائتلاف مخالفی شده است که تهدیدی جدی برای حفظ قدرت دولت روز [اتحادیه جبهه ملی]^۳ محسوب می‌شود و می‌توان آن را در نتایج انتخابات عمومی می‌ماه سال ۲۰۱۳ مشاهده کرد.

گذار کامل به دموکراسی واقعی، در سیستمی که تنها بر اساس تله‌گذاری‌های رسمی سیستم دموکراتیک نظیر انتخابات منظم، پایه‌ریزی نشده است؛ بلکه سیستمی است با اساس فرهنگی که برای تنوع و قوانین رویکردهای دموکراتیک ارزش و احترام قائل است؛ برای مالزی کاری دشوار است. چراکه این گذار ممکن است نیازمند تغییرات بنیادین در فرهنگ سیاسی، اقتصاد و سیاست کشور باشد. بنابراین، آنچه که تاکنون شاهد آن بودیم، گرایش‌هایی است که احتمالاً به اجتماعی کردن مردان و زنان برای زندگی در جامعه‌ای کمک می‌نماید که تحمل بیشتری در برابر تفاوت‌ها دارد و در نتیجه آزادتر است.

بزرگترین تهدید برای توسعه دموکراسی در مالزی، کلیپوتوکراسی (دزدسالاری) است. مردم مالزی خواهان دولتی نیستند که مملوء از

1. Dato' Sri Najib Razak
 2. Tun Abdullah Ahmad Badawi
 3. Barisan Nasional

افرادی باشد که از دولت برای کسب مقام و سود شخصی به بهای حکومت کردن بهره جویند. در انجمنی تحت عنوان «ریشه‌کنی فساد عظیم: تا چه اندازه‌ای موفق بوده‌ایم؟» (۲۶ نوامبر، ۲۰۱۲) که توسط مؤسسه امور اقتصادی و دموکراسی (IDEAS) سازمان‌دهی می‌شد و میزبانی آن بر عهده آکادمی ضد فساد مالزی (MACC) بود، [به این مطلب] اشاره کردم که در صورتی که گام‌هایی برای به حداقل رساندن نرخ فساد سطح بالا یا عظیم در کشور مالزی انجام نگیرد، ممکن است به حکومت دزدسالار سقوط کند. [۵] در مالزی فساد، رویدادی تصادفی یا اتفاقی نیست؛ بلکه به نظر می‌رسد نظام‌مند باشد و برخلاف نظام‌های قدرت‌طلب و اقتدارگرا عمل کند. اغلب دزدسالاران تنها مقامات دولتی رده متوسط نیستند که برای تأمین اهداف خود پول اخاذی کرده یا رشوه دریافت نمایند؛ بلکه مقامات رده بالا و سیاستمداران ارشدی هستند که برای انجام کسب‌وکار و جمع‌آوری ثروت در فعالیت‌های مفسدانه مشارکت می‌کنند. این پرسش مردم مالزی است که آیا کشوری هستیم که در آن «فساد» ابزاری رایج برای کسب‌وکار است و پنجمین عامل تولید در نظر گرفته می‌شود؟ هرچه حکومت دزدسالار توسعه و گسترش یابد، نیروهای دموکراتیک اصیل موجود عقب‌نشینی خواهند کرد، زیرا حکومت دموکراسی که بر اساس حاکمیت خوب و پاسخگویی به مردم است؛ با منافع دزدسالاران در تضاد است. درنهایت، شکل رسمی و محدودی از دموکراسی باقی خواهد ماند.

عبدالرحمان ابن خلدون، نظریه‌پرداز اجتماعی مسلمان قرن چهاردهم، مشاهده جالبی پیرامون دولت به دست آورده است. این مشاهده بر اساس مطالعه او در مورد جوامع آسیای غربی و آفریقای شمالی و تجربه‌اش در مورد تحولات زندگی سیاسی است. وی بیان کرده است: «تصمیم‌های دولت به عنوان قانون، ناعادلانه است. زیرا

عدالت محض مختص خلافت مشروع است که مدت کوتاهی طول می‌کشد». [۶] این بی‌عدالتی، نه به عنوان مصادره و ضبط دارایی و پول، بلکه باید به شکل کلی‌تری درک شود که شامل کار اجباری، تعیین وظایفی که در قانون اسلام لازم نیستند، جمع‌آوری مالیات به ناحق و موارد دیگر [نیز] می‌شود. [۷]

بیش از پانصد سال بعد، خوزه اورتگا ای گاست، فیلسوف اسپانیایی و رهبر فکری دولت جمهوری‌خواه اسپانیا در فصلی به نام «بزرگترین خطر، دولت» چنین نگاشت که مداخله دولت «بزرگترین خطری است که تمدن را تهدید می‌کند». [۸] اورتگا با داشتن تجاربی از اروپا توضیح می‌دهد که در اواخر قرن هجدهم، دولت اهمیت بسیار کمی داشت و از نظر مدیریت اجرایی و نظم عمومی ضعیف بود. با این حال، عدم تجانس میان دولت و قدرت اجتماعی در قرن نوزدهم، هنگامی مورد بررسی قرار گرفت که دولت، دستگاه نیرومندی شد و مداخله دولت، اسارت جامعه و بروکراتیزه شدن وجود انسانی، تهدیدی برای تمدن محسوب می‌شد. [۹] با ایجاد نوع جدیدی از بشر، [یعنی] کارگر صنعتی، افزایش جنایتکاری در اروپا منجر به افزایش توانمندی مقامات دولتی شد، اما همین توانمندسازی مقامات دولتی بود که دولت را خطرناک کرد. اورتگا هشدار داد که «احمقانه است که حزب «نظم و قانون» تصور کنند «اقتدار مقامات دولتی» که برای حفظ نظم به وجود آمده‌اند، همیشه از حفظ نظمی که حزب خواهان آن است، خرسند هستند. این افراد لاجرم این کار را با تعریف و تصمیم‌گیری در مورد نظمی تمام خواهند کرد که قصد دارند اعمال نمایند و به شکل طبیعی نظمی خواهد بود که به بهترین نحو با آنها متناسب است». [۱۰]

مردم مالزی خواهان دولتی قوی هستند که بتواند نظم عمومی را

ایجاد و حفظ کند و مدیریت اجرایی کارآمدی داشته باشد؛ اما دولتی خطرناک با قدرت نامتناسب که مداخله آن منجر به حکومت دزدان شود، نمی‌خواهیم. مسئله فساد مساعدتی است در توانمندسازی روشنفکران و فعالانی که خواهان حذف دزدسالاران از سیستم ما هستند.

سید فرید العطاس
گروه جامعه‌شناسی و مطالعات مالایی
دانشگاه ملی سنگاپور
کوالالامپور، دسامبر ۲۰۱۴

پی‌نوشت‌ها

۱. سید حسین العطاس، جامعه‌شناسی فساد: ماهیت، کاربرد، علل و پیشگیری از فساد، دونالد مور، سنگاپور، ۱۹۸۶.

Syed Hussein Alatas, *The Sociology of Corruption: The Nature, Function, Causes and Prevention of Corruption*, Donald Moore, Singapore, 1968.

بخش دوم و سوم بعدها به این بخش اضافه گردید و در سال ۱۹۸۶ تحت عنوان «مسئله فساد» منتشر شده است. رجوع کنید به:

Syed Hussein Alatas, *The Problem of Corruption*, Times Books International, Singapore, 1986. The foreword by Harold Lasswell appeared in the 1968 edition

۲. رجوع کنید به ص ۹.

3. S. Andreski, *Parasitism and Subversion: The Case of Latin America*, Weidenfeld & Nicolson, London, 1966; S. Andreski, "Kleptocracy as a System of Government in Africa", in Arnold J. Heidenheimer, ed., *Political Corruption: Readings in Comparative Analysis*, Reinhart & Winston, New York, 1970, pp. 346-357.

4. Syed Hussein Alatas, *Corruption: Its Nature, Causes and Functions*, Avebury Press, Aldershot, 1990.

۵. بنگرید به:

Ramon Navaratnam, "Is Malaysia a Kleptocracy", *The Malay Mail*, December 5, 2012, Kuala Lumpur.

6. Ibn Khaldun, *The Muqaddimah: An Introduction to History*, 3 Vols. translated from the Arabic by Franz Rosenthal, Routledge & Kegan Paul, London & Henley, 1967, vol. II, p. 285.

برای مشاهده نسخه اصلی عربی بنگرید به:

Ibn Khaldun, *'Abd al-Rahman, Al-Muqaddimah*, 5 Vols., 'Abd al-Salam al-Shaddadi [Abdesselam Cheddadi], Bayt al-Funun wa-l-'Ulum wa-l-Adab, Casablanca, 2005, vol. II, p. 221

7. Ibn Khaldun, op. cit., vol. II, pp. 106-107.

برای نسخه اصلی عربی بنگرید به :

Ibn Khaldun, op. cit., vol. II, p. 84.

8. José Ortega y Gasset, *The Revolt of the Masses*, W.W.Norton & Co., New York, 1932, p. 120.

۹. همان، صص ۱۲۱-۱۱۷.

۱۰. همان، ص ۱۲۳.